

[وجه سوم برای عدم رد یمین در فرض نکول مدعی علیه 2](#_Toc2551805)

[کلام شیخ طوسی در رد وجه سوم 2](#_Toc2551806)

[اشکال استاد به وجه سوم 2](#_Toc2551807)

[عدم اشتراط رجولیت در قسامه 3](#_Toc2551808)

[کیفیت قسامه 3](#_Toc2551809)

[کلام ابن حمزه در مورد کیفیت قسامه در قتل عمد 4](#_Toc2551810)

[اشکال استاد به کلام ابن حمزه 4](#_Toc2551811)

**موضوع**: قسامه /طرق اثبات قتل /قصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در فرض نکول مدعی علیه بود که گفتیم مشهور از فقها قائل به اثبات دعوا به مجرد نکول بودند ولی مرحوم شیخ طوسی قائل به رد یمین بود و گفت با مجرد نکول مدعی علیه دعوا ثابت نمی شود و مدعی باید قسم بخورد. مرحوم خوئی برای عدم رد یمین استدلال کرد به قصور ادله‌ی رد یمین از فرض قتل که ما این وجه را تمام ندانستیم. وجه دومی هم برای عدم رد ما بیان کردیم که ماحصل آن وجه این بود که وقتی ادله‌ی قسامه مدعی را مخیر بین احد الامرین قرار داه است یعنی یا اینکه مدعی قسامه اقامه کند و یا اینکه از مدعی علیه طلب قسم کند ظاهر این کلام این است که هر کدام وجه مستقلی برای اثبات دعوا هستند و اگر با صرف نکول حکم به الزام دعوا نشود اینجا دیگر تخییر بی معنا می شود و در حقیقت اثبات دعوا منحصر به قسامه‌ی مدعی می شود. البته این در صورتی است که مراد از قسم مردوده همان قسامه‌ی اصطلاحی باشد لکن اگر مراد از قسم مردوده یمین واحده باشد این وجه دوم دلیل بر رد قائل به رد یمین نمی شود و لذا بعید هم نیست که بگوئیم در فرض نکول قائل به رد یمین واحده به مدعی شویم از باب اطلاقات رد یمین و اگر اطلاقات را هم نپذیریم احتمال رد یمین هم کافی است بگوئیم نیاز به یمین مدعی هست از باب اینکه صناعت اقتضای رد یمین واحده را داشت زیرا در فرض نکول شک در حجیت نکول داریم و با شک در حجیت حکم به عدم حجیت می کنیم پس نکول منکر حجت نیست در نتیجه باید منکر قسم بخورد.

# وجه سوم برای عدم رد یمین در فرض نکول مدعی علیه

از کلمات برخی از فقها مانند کاشف اللثام[[1]](#footnote-1) بر می آید که در فرض نکول مدعی علیه رد یمین نمی شود به دلیل اینکه یمین ابتداء به عهده‌ی مدعی بود. کأن ایشان می خواهد بگوید رد قسم لغو است به این معنا که اثری بر قسم مدعی مترتب نمی شود.

## کلام شیخ طوسی در رد وجه سوم

مرحوم شیخ طوسی[[2]](#footnote-2) این وجه را رد می کند و می گوید لغویتی پیش نمی آید و اثر این قسامه اثبات قصاص در فرض قتل عمد است.به دلیل اینکه در بحثقسامه نظر بعضی از فقهای شیعه و کثیری از فقهای عامه این است که در فرضی که ابتداء مدعی قسامه اقامه کند دیه ثابت می شود هر چند قتل عمد باشد و طبق این مبنا شیخ می فرماید اگر قسامه ای باشد که در اثر رد یمین است این قسامه در فرض عمدی بودن قتل اثبات قصاص می کند به دلیل اینکه اطلاقات رد یمین می گوید اگر قسم به مدعی رد شد و او قسم خورد حق او ثابت می شود که حق او اگر قتل عمد باشد قصاص است. مثلا در روایت عبید بن زراره آمده است: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع‏ فِي الرَّجُلِ يُدَّعَى عَلَيْهِ الْحَقُّ وَ لَا بَيِّنَةَ لِلْمُدَّعِي قَالَ يُسْتَحْلَفُ أَوْ يَرُدَّ الْيَمِينَ عَلَى صَاحِبِ الْحَقِّ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَلَا حَقَّ لَهُ»[[3]](#footnote-3) مفهوم این کلام این است که اگر قسم بخورد حق او ثابت می شود.

اما اگر طبق نظر مشهور که قائل به این بودند که با قسامه‌ی مدعی قصاص هم قابل اثبات است باز هم ثمره دارد نظیر اینکه شخصی دو حق خیار داشته باشد که خیار به اسباب متعدده لغو نیست چون خاصیتش این است که اگر یکی اسقاط شد دیگری قابل اعمال است. اینجا هم دو حق قسامه برای اوست.

## اشکال استاد به وجه سوم

به نظر ما اگر منظور از یمین مردوده رد حلف واحد باشد لغویتی پیش نمی آید کما اینکه قبلا بیان شد. و اگر مراد از قسم مردوده قسامه باشد لغویت به وجود می آید به همان بیانی که ما گفتیم که محصل آن این بود که خود مخیر کردن مکلف بین دو امر یعنی قسامه‌ی خود او و یا مطالبه قسامه از مدعی علیه همین تخییر نتیجه اش اثبات حق با نکول مدعی علیه است وگر نه تخییر معنا ندارد.

# عدم اشتراط رجولیت در قسامه

مرحوم خوئی[[4]](#footnote-4) متعرض مسأله ای شده است که در کلام فقهای قبل از ایشان کسی متعرض این مطلب نشده است و شاید از برخی کلمات اهل سنت قابل اصطیاد باشد و آن هم اینکه اگر مدعی زن باشد و مدعی علیه مرد باشد و لوث هم در میان باشد آیا مدعی می تواند به وسیله‌ی قسامه ادعای خود را اثبات کند. همچنین در فرض عکس یعنی مدعی مرد و مدعی علیه زن باشد. ایشان فرموده است بله می تواند ادعای خود را ثابت کند به دلیل اطلاق روایات قسامه، هر چند موردش مرد بودن مدعی و مدعی علیه است. همچنین قسامه برای احتیاط در دماء جعل شده بود که این وجه بین اینکه مدعی زن باشد یا مرد مشترک است.

# کیفیت قسامه

قسامه ای که در باب ادعای قتل است اگر ادعا قتل عمدی باشد پنجاه قسم می باشد و اگر خطایی باشد بیست و پنج قسم. دلیل اینکه در قتل عمد باشد نیاز به پنجاه قسامه دارد روایاتی است که قبلا گذشت که برای نمونه به یکی از انها اشاره می کنیم. در روایت صحیحه‌ی برید بن معاویه‌ی عجلی آمده است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْقَسَامَةِ فَقَالَ الْحُقُوقُ كُلُّهَا الْبَيِّنَةُ عَلَى الْمُدَّعِي وَ الْيَمِينُ عَلَى الْمُدَّعَى عَلَيْهِ إِلَّا فِي الدَّمِ خَاصَّةً فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص بَيْنَمَا هُوَ بِخَيْبَرَ إِذْ فَقَدَتِ الْأَنْصَارُ رَجُلًا مِنْهُمْ فَوَجَدُوهُ قَتِيلًا فَقَالَتِ الْأَنْصَارُ إِنَّ فُلَانَ الْيَهُودِيِّ قَتَلَ صَاحِبَنَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِلطَّالِبِينَ أَقِيمُوا رَجُلَيْنِ عَدْلَيْنِ مِنْ غَيْرِكُمْ أَقِيدُوهُ بِرُمَّتِهِ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا شَاهِدَيْنِ فَأَقِيمُوا قَسَامَةً خَمْسِينَ رَجُلًا أَقِيدُوهُ بِرُمَّتِهِ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا عِنْدَنَا شَاهِدَانِ مِنْ غَيْرِنَا وَ إِنَّا لَنَكْرَهُ أَنْ نُقْسِمَ عَلَى مَا لَمْ نَرَهُ فَوَدَاهُ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ عِنْدِهِ وَ قَالَ إِنَّمَا حُقِنَ دِمَاءُ الْمُسْلِمِينَ بِالْقَسَامَةِ لِكَيْ إِذْ رَأَى الْفَاجِرُ الْفَاسِقُ فُرْصَةً مِنْ عَدُوِّهِ حَجَزَهُ مَخَافَةُ الْقَسَامَةِ أَنْ يُقْتَلَ بِهِ فَكَفَّ عَنْ قَتْلِهِ وَ إِلَّا حَلَفَ الْمُدَّعَى عَلَيْهِ قَسَامَةً خَمْسِينَ رَجُلًا مَا قَتَلْنَا وَ لَا عَلِمْنَا قَاتِلًا وَ إِلَّا أُغْرِمُوا الدِّيَةَ إِذَا وَجَدُوا قَتِيلًا بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ إِذَا لَمْ يُقْسِمِ الْمُدَّعُونَ»[[5]](#footnote-5)

## کلام ابن حمزه در مورد کیفیت قسامه در قتل عمد

ایشان فرموده[[6]](#footnote-6) است که در قتل عمد اگر مدعی بیست و پنج قسم و یک شاهد هم اقامه کند برای اثبات دعوا کافی است. کأن فهم ایشان از ادله‌ی قسامه این بوده است که در باب قتل قسامه کار دو شاهد عدل را می کند و اطلاقات ادله‌ی ثبوت دعوا به یک شاهد و یمین ما نحن فیه را هم شامل است. اطلاقاتی مانند این روایت «أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَقْضِي بِشَاهِدٍ وَاحِدٍ مَعَ يَمِينِ‏ صَاحِبِ الْحَقِّ»[[7]](#footnote-7)

### اشکال استاد به کلام ابن حمزه

این روایات در مورد امور مالی هست و شامل امور غیر مالی نمی شود.

اما در مورد اینکه قتل خطا به بیست و پنج قسم ثابت می شود مقتضای دو روایت صحیحه و معتبره در مقام هست. در مورد قتل عمد اگر هم نخواهد موجب قصاص شود باز هم نیاز به پنجاه قسم دارد مثل جایی که قاتل پدر مقتول باشد. اما در قتل خطایی مستفاد از این دو روایت این است که با بیست و پنج قسم ادعا ثابت می شود. با وجود این دو روایت عده ای از فحول علما قائل شده اند که در قتل خطایی هم نیاز به پنجاه قسم هست که یأتی الکلام فیه ان شاءالله.

1. [كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، الفاضل الهندي، ج11، ص131.](http://lib.eshia.ir/10146/11/131/الزم) [↑](#footnote-ref-1)
2. [المبسوط فی فقه الإمامیة، شیخ طوسی، ج7، ص228.](http://lib.eshia.ir/10036/7/228/استوفا) [↑](#footnote-ref-2)
3. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج7، ص416.](http://lib.eshia.ir/11005/7/416/النضر) [↑](#footnote-ref-3)
4. [مبانی تکملة المنهاج، السید أبوالقاسم الخوئی، ج2، ص107.](http://lib.eshia.ir/21001/2/107/111) [↑](#footnote-ref-4)
5. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج7، ص361.](http://lib.eshia.ir/11005/7/361/أُغْرِمُوا) [↑](#footnote-ref-5)
6. [الوسیلة، ابن حمزة الطوسی، ج1، ص460.](http://lib.eshia.ir/15128/1/460/محضا%20) [↑](#footnote-ref-6)
7. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج7، ص385.](http://lib.eshia.ir/11005/7/385/حَازِمٍ) [↑](#footnote-ref-7)